

نشان‌هایی از نقاشی نامدار؛ از دربار قاجار تا موزه آستان قدس رضوی

شمال ایران در قلم کمال‌الملک

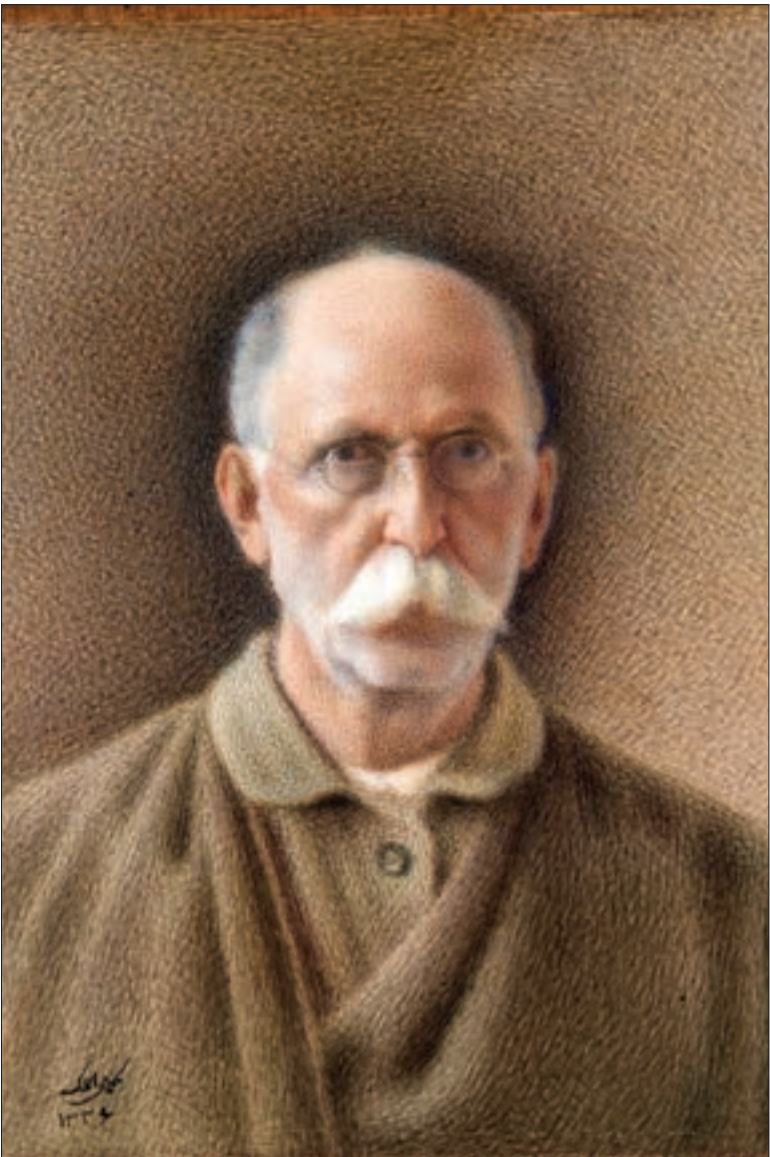
زهرآ زنگنه انام کمال‌الملک، ما خراسانی‌ها را به سفری در نیشابور و سیاحت آرامگاه زیبای او می‌بردوشاید دیگران را به تالارآینه و کاخ‌های قاجار؛ اما زندگی محمد غفاری بسیار فراتر از دربار و پرتره‌های شاهانه بود. جوانی که از کاشان به تهران آمد، در دارالفنون آموخت. به دربار ناصرالدین‌شاه راه یافت. راهی اروپا شد و سرانجام یکی از مهم‌ترین جریان‌های نقاشی نوین ایران را پایه گذاشت. امروز چهار اثر از او در موزه رضوی نگهداری می‌شود؛ چهار تصویر از ایران روزگاراو که وجهی کمتر دیده‌شده از هنر کمال‌الملک را پیش چشم ما می‌گذارد.

- کشف استعداد محمد غفاری در دارالفنون

پیش از آنکه همه او را «کمال‌الملک، صدا بزنند، محمد غفاری جوانی بود که در خانواده‌ای هنرمند در کاشان به دنیا آمد. خانواده غفاری با نقاشی و هنر بیگانه نبودند و محمد نیز از همان سال‌های نوجوانی به این هنر علاقه نشان داد، علاقه‌ای که بعدها مسیر زندگی او را تغییر داد. محمد برای آنکه نقاشی را جدی‌تر و اصولی‌تر بیاموزد، راهی تهران شد و به دارالفنون رفت؛ مدرسه‌ای که در آن روزگار یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش نوین در ایران به شمار می‌رفت. او در دارالفنون، نقاشی را نزد علی‌اکبر مزین‌الدوله آموخت و با اصول و شیوه‌های تازه نقاشی آشنا شد. این آموزش‌ها به او کمک کرد تا نگاه دقیق‌تری به طبیعت و چهره انسان پیدا کند و قلمش فراتر از شیوه‌های سنتی نقاشی روی بوم به حرکت درآید. استعداد محمد غفاری در همین سال‌ها مورد توجه قرار گرفت و راه او به فضای هنری پایتخت باز شد. ناصرالدین‌شاه در یکی از بازدیدهای خود از دارالفنون، تابلویی را که غفاری از چهره اعتضادالسلطنه، رئیس وقت دارالفنون، کشیده بود دید و از کار او خوشش آمد. پس از آن، زمینه حضور این نقاش جوان در دربار فراهم شد. اتفاقی که مسیر فعالیت حرفه‌ای او را به شکل جدی تغییر داد.

- وقتی نقاش جوان به چشم شاه آمد

ورود محمد غفاری به دربار ناصرالدین‌شاه، نقطه مهمی در زندگی حرفه‌ای او بود. ناصرالدین‌شاه به نقاشی علاقه داشت و دربار او یکی از مهم‌ترین مراکز سفارش و تولید آثار هنری در ایران به شمار می‌رفت. غفاری نیز به تدریج در میان هنرمندان دربار جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و به مقام نقاش‌باشی دربار رسید.



این تصویر را کمال‌الملک سال ۱۳۲۶ خورشیدی از خودش کشیده‌است

ترسیم شمایل شاه، شاهزادگان و رجال درباری از موضوعات اصلی نقاشی دربار بود؛ اما غفاری در اجرای این آثار به جزئیات و نمایش دقیق چهره‌ها، لباس‌ها و فضای پیرامون توجه ویژه‌ای داشت. توجه به نور، سایه، حجم و انعکاس نیز در آثار این دوره او دیده می‌شود؛ شیوه‌ای که متفاوت از شیوه بسیاری از نقاشی‌های رایج دربار قاجار بود.

کمال‌الملک در این دوره صرفاً به ثبت چهره‌ها اکتفا نکرد و محیط و فضا‌های پیرامونی هم در قاب آثارش نقش بستند. «تالار آینه» یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار کمال‌الملک در این دوره است؛ تابلویی که او در آن، فضای داخلی تالار، آینه‌ها و انعکاس نور را با دقت زیادی به تصویر



- کمال‌الملک و تجربه اروپا

کمال‌الملک در ادامه و پس از سال‌ها حضور در دربار، با هدف آشنایی با شیوه‌های نقاشی در غرب، عازم اروپا شد. کمال‌الملک حدود سه سال در اروپا ماند. فلورانس و روم را گشت و به پاریس و وین هم سفر کرد تا آثار نقاشان بزرگ را ببیند و روی آن‌ها مطالعه کند.

بخشی از این دوره را به بازدید از موزه‌ها و گالری‌ها اختصاص داد و با دقت، آثار استادان اروپایی را بررسی و از روی برخی از آن‌ها نسخه برداری کرد. در این میان، آثار رامبراند برای او متفاوت از باقی هنرمندان بود و در شناخت بهتر نور، سایه و حجم تأثیر زیادی بر شیوه نقاشی کمال‌الملک گذاشت.

این سفر تنها به آشنایی با آثار نقاشان اروپایی محدود نماند. کمال‌الملک در این سال‌ها با شیوه‌های تازه آموزش و تولید آثار هنری نیز آشنا شد. پس از بازگشت به ایران، تجربه‌هایی که در اروپا به دست آورده بود در آثار و فعالیت‌های هنری‌اش دیده شد و موضوعات نقاشی او نیز بیش از گذشته از فضای دربار فاصله گرفت.

- شکل‌گیری جریان‌ی تازه در آموزش هنر

بازگشت کمال‌الملک به ایران، تنها ادامه فعالیت‌های نقاشی او نبود. او به تدریج توجه بیشتری به آموزش هنر نشان داد و تلاش کرد شیوه‌های تازه‌ای را که در سال‌های حضورش در اروپا آموخته بود، در اختیار هنرجویان ایرانی قرار دهد.

این نگاه سرانجام به شکل‌گیری مدرسه صنایع مستظرفه در تهران انجامید، مدرسه‌ای که در آن نقاشی و برخی دیگر از هنرهای سنتی آموزش داده می‌شد. کمال‌الملک در این دوره بیش از آنکه تنها به خلق آثار خود بپردازد، به تربیت نسل تازه‌ای از هنرمندان توجه داشت و شاگردان متعددی را در این مدرسه پرورش داد.

تأثیر او بر نقاشی ایران نیز به همین دلیل تنها به تابلوهایی که از او باقی مانده محدود نمی‌شود. شیوه آموزش، توجه به طبیعت و واقع‌گرایی در نقاشی و تأکید بر مشاهده دقیق، از ویژگی‌هایی بود که در میان هنرجویان و نقاشان نسل بعد گسترش پیدا کرد.

بخش دیگری از کارنامه کمال‌الملک را هم می‌توان در منظره‌هایی دید که پیش از سفر او به اروپا و در جریان سفرش به مازندران از سال ۱۲۹۲ قمری خلق شدند. چهار اثر از این دوره امروز در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، آثاری که در ادامه، تصویری متفاوت از کمال‌الملک، به دور از فضای دربار و چهره‌های رسمی، پیش روی مخاطب قرار می‌دهند.



۴شنبه
۱۸ شهریور ۱۴۰۵
۲۷ شهریور ۱۴۰۵
شماره ۲۸۵۲

۱۵



تاریخ و هویت

جلسه رونمایی از ۲ کتاب «شهبانوی نیکوکار» و «خاتون سلطان‌نشان»

«گوهرشاه» و «ترکان‌خاتون» دوروی جلوه زنان در تاریخ

شیرین سیدی| مجموعه سه جلدی «هما، که مدتی است توسط انتشارات «اگر» منتشر می‌شود، تک‌نگاری‌هایی مستند با تکیه بر منابع تاریخی هستند که نقش سه زن را در بزنگاه‌های تاریخ ایران بررسی کرده‌اند. از آنجا که نویسنده دو کتاب این مجموعه مشهودی است، نشر «چشمه دلشدگان» جلسه یکشنبه‌ها با کتاب شه‌یروماه خود را به معرفی دو کتاب «خاتون سلطان‌نشان: زندگی و زمانه ترکان‌خاتون خوارزمی» و «شهبانوی نیکوکار: زندگی و زمانه گوهرشاه، اختصاص داده بود. این جلسه صد دقیقه‌ای، سفری بود به قرن‌های ششم تا نهم قمری در شهرهای بزرگ خراسان و ماوراءالنهر همچون هرات، گرگانج و خوارزم و شهر تازه‌متولدشده مشهد. همچنین، روایتی بود از دوزن که یکی به کارهای نیکش شهره شده و دیگری به قساوتش؛ روایت دو مادر و مادر بزرگ که در دو برهه حساس تاریخ ایران، حتی از همسران و پسرانشان نامدارتر شدند. مدیریت این جلسه را فرزانه بهار، پزشک و فعال حوزه فرهنگی، بر عهده داشت و مهدی سیدی‌فرخند و محمدمهدی قائمی، مؤلفان دو کتاب، درباره این دو شخصیت و شیوه نگارش آثارشان برای جمع سخن گفتند.

- تیلور هنر و فرهنگ ایران در عهد تیموری

دکتر فرزانه بهار که از زنان فعال در حوزه فرهنگ ایران است، درباره اهمیت انتخاب این دو شخصیت گفت که شرح احوال و روزگار آن‌ها ما را به جغرافیایی فراتر از ایران امروزی و در بعد ایران فرهنگی می‌برد. تیموریان که با فاصله یک نسل از تیمور ویرانگر، به حکومتی اهل فرهنگ و هنر تبدیل شدند و مرکزشان از سمرقند به هرات آمد، در این شهرها آثار شگفتی خلق کردند و در مشهد نیز بانی ساخت‌وسازهای اساسی شدند؛ اما خوارزمشاهان در طول دوره حکومت خود، خوی ایرانی نگرفتند و جز برقرار ماندن و گسترش قلمرو حکومتشان، دغدغه دیگری نداشتند. بهار نکته ظریف انتخاب این دو کتاب در کنار هم را مقایسه دوزن، دو مسیر و دو سرنوشت متضاد خواند؛ یکی گویی نماینده هورامزدا و سبب خیر و آبادانی، و دیگری نماینده اهریمن و نماد ویرانگری است.

بهار همچنین با اشاره به اینکه گوهرشاد فرزند ی چون بایسنغر پروراند که آثاری مانند قرآن و شاهنامه بایسنغری یادگار روزگار اوست و خود نیز با بناهای بسیار، حامی اصلی هنر و معماری دوره تیموری شد، این بانو را نمونه‌ای از حاکمانی دانست که فرهنگ ایرانی را برگزیدند و به آن خدمت کردند.

- گوهرشاد؛ شخصیتی عجین شده در اوسنه‌های مردم

مهدی سیدی نیز که مؤلف کتاب «شهبانوی نیکوکار» است، درباره گوهرشاد گفت: «این زن عروس تیمور و برای نزدیک به شصت سال همسر شاه‌رخ تیموری بود؛ او ستون فرهنگ و سازندگی دوره پس از تیمور شد. یادگار اصلی گوهرشاد در مشهد ما، مسجد جامع شهر و موقوفات وسیع آن، از جمله اراضی ۴۰۰ هکتاری سرده و سعدآباد است؛ موقوفاتی که برای ششصد سال مستقل از موقوفات آستان قدس رضوی اداره می‌شدند. اقدامات او در مشهد به این سبب بود که حکومت خراسان غربی با مرکزیت مشهد به پسرش بایسنغر داده شد. شهر مادر آن زمان تازه به چنین جایگاهی می‌رسید و به عمارت حکومتی، مسجد جامع، مدارس دینی و... احتیاج داشت، بنابراین گوهرشاد و همسرش شاه‌رخ شاید به نوعی برای هدیه به پسر خود عمارت‌های متعددی در مشهد ساختند.»

سیدی درباره منبع نگارش این تک‌نگاری نیز چنین توضیح داد: «کتاب حاضر خلاصه‌ای از پژوهش و کتاب مفصل مسجد و موقوفات گوهرشاد است که حدود بیست سال پیش به مناسبت ششصد ساله شدن وقفنامه گوهرشاد نوشته شد؛ کتابی که شامل سرگذشت گوهرشاد، وقفنامه‌او، موقوفات دیگران برمسجدگوهرشاد، تاریخچه اداره مسجد و موقوفات، افسانه‌های گوهرشاد و... است. مخصوصاً بخش افسانه‌های گوهرشاد را برای خواندن توصیه می‌کنم، چون نشان می‌دهد چطور افراد خوشنام از خود خاطرات خوش در حافظه تاریخی مردم می‌گذارند و وارد اوسنه‌های آن‌ها می‌شوند.»

- وقتی قبیله‌گرایی شیوه مملکت‌داری می‌شود

نیمه دوم جلسه به معرفی کتاب «خاتون سلطان‌نشان» اختصاص داشت؛ دبیر نشست در معرفی این کتاب با اشاره به گرایش‌های قبایل ترکان‌خاتون که منافع قبیله خود را به سرنوشت کشور و حتی برقرار ماندن حکومت‌پسرش ترجیح می‌دادند، او را نماد حکومت اهریمنی و ویرانگر خواند. این کتاب به خوبی نشان می‌دهد چه اتفاقاتی سبب شد مغولان به راحتی خراسان را در نوردند.

محمدهادی قائمی هم در توضیح محور نخست گفت: «هر اثری یک پیکره دارد و یک پیوست. پیکره این کتاب همان‌طور که از نامش پیداست احوال ترکان‌خاتون است. اما پیوست آن که در بطن این تک‌نگاری نهفته، شرایط اجتماعی و سیاسی روزگار اوست. با تمام وجوه منفی که از این شخصیت تاریخی گفته شده، از جمله قساوت، خودخواهی و کینه‌توزی، اما نباید از هوش سرشارش غافل شد زیرا او توانست با همراهی پسرش در مدت ۱۰ سال، قلمرو محدود خوارزمشاهان را به نزدیک مرزهای روزگار ملکشاه سلجوقی – که بزرگ‌ترین قلمرو پس از اسلام حاکمان ایران زمین بود – برساند.

قائمی درباره نحوه تألیف کتاب نیز توضیح داد: «برای یک تألیف بر پایه تاریخ، سه شکل ادبی داریم که شامل رمان تاریخی (مانند سووشون که بر پایه یک واقعه به خلق یک اثر ادبی پرداخته است)، روایت تاریخی (مانند تاریخ بیهقی که وقایع تاریخی درست است اما چیدمان و زاویه دید تغییر می‌کند) و نوع سوم، تاریخ روایی است که نویسنده فقط مجاز است به منابع استناد کند و افزوده‌ای بر آن نیفزاید و تنها با زبان ساده تاریخ را روایت کند. عمده این کتاب برگرفته از دو جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و البته دیگر آثار آن دوره است که به اصل متن تاریخ وفادار بوده و قضاوت نهایی درباره ترکان‌خاتون را به خواننده واگذار کرده است.»

- پایان کار ۱۲ مکه

مهدی سیدی که خود در نگارش دو کتاب سهیم بوده است، درباره سرنوشت دو شخصیت هم چنین بیان کرد: «شاه‌رخ همسر گوهرشاد در سال ۸۵۰ قمری درگذشت و از این پس با آغاز درگیری‌های جانشینی، روزگار تلخ گوهرشاد که حامی یکی از فرزندان بایسنغر بود آغاز شد و در نهایت ابوسعید، نوه تیمور، در سال ۸۶۱ قمری گوهرشاد خاتون را کشت. اما مردم آن قدر او را دوست داشتند که بند گلستان را که ساخته این قاتل گوهرشاد است، به گلستانه خانم کنیز گوهرشاد نسبت می‌دهند. دویست سال پیش از آن نیز ترکان‌خاتون خوارزمی مرگی تلخ را تجربه کرده بود. او پس از آنکه پسرش سلطان محمد از رویارویی مقابل مغولان گریخت و یک دوره در به‌دری را گذراند و حدود سال‌های ۶۱۷ یا ۶۱۸ قمری در جزیره ابیسکون در دریای خزر درگذشت، حین گریز از چنگ مغولان اسیر آن‌ها شد. جالب است در زمان گریز به او گفتند به جلال‌الدین پناه ببر اما او گفت اسیر شدن در چنگ مغولان را به رفتن نزد پسر آی چیچک که از قبیله‌ای غیر از قبیله خودش بود ترجیح می‌دهد. همین قبیله‌گرایی افراطی هم سبب شد در قلعه ایلال که مابین راه ساری و دامغان قرار دارد گرفتار دست مغولان گردد؛ او با حقارت تا سال ۶۲۰ اسیر آن‌ها بود و پس از آن از دنیا رفت. این دو سرنوشت هم گویای نوع رفتار و مخصوصاً بیان دو نوع حکومت‌داری است؛ یکی تنها به فکر منافع شخصی و قبیله خود، و دیگری به فکر آبادانی سرزمین و رفاه عمومی، که می‌تواند درس‌های زیادی برای ما داشته باشد.»

- توصیف کمی دو کتاب

نا گفته نماند به جز دو کتاب معرفی شده در این سطور، در مجموعه «هما، کتاب دیگری نیز قرار دارد؛ سومین اثر این مجموعه «روبنده‌پوش مستند نشین: زندگی و زمانه حسن جهان» نام دارد که به قلم پریسا کدیور، روایتی از حکمرانی زنان دوره قاجار در جغرافیای پیچیده کردستان را نقل کرده است.



روستای پول کچور



شمال ایران: از صفی‌آباد تا رودخانه تجن

مجموعه چهارگانه آثار کمال‌الملک در موزه رضوی از این جهت اهمیت دارد که به دوره‌ای پیش از سفر او به اروپا مربوط می‌شود؛ او در چشم‌انداز طبیعی اطراف، ساختار اصلی تابلو را شکل می‌دهند و در کنار ارزش هنری، تصویری از جغرافیای منطقه در اواخر دوره قاجار ارائه می‌کنند.



گذشتن اردوی کیوان شکوه از دهانه شیلات فرح‌آباد مازندران



منظره پل رودخانه تجن

- منظره پل رودخانه تجن

این تابلو تصویری از پلی بر رودخانه تجن در نزدیکی ساری است. پل و رودخانه در کنار چشم‌انداز طبیعی اطراف، ساختار اصلی رودخانه تجن، هستند که هر دو با ابعاد ۱۰۰ در ۷۰ سانتی‌متر به مناظر شمال ایران اختصاص دارند. در این نقاشی‌ها نیز طبیعت، رودخانه، پل و چشم‌اندازهای گسترده منطقه، موضوع اصلی اثر را تشکیل می‌دهند و کمال‌الملک تلاش کرده است فضای جغرافیایی مازندران را با دقت و جزئیات ثبت کند.

- منظره جلگه صفی‌آباد

کمال‌الملک این اثر را نیز با تمرکز بر گستره طبیعی جلگه، به تصویر کشیده است.